



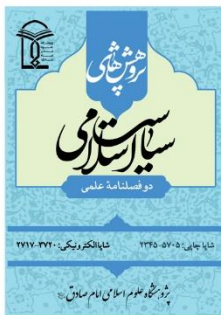
Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2945-5708 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Volume: 13 ; Number: 27



Components of the level agents of the Islamic Revolution in preparing the emergence of the Imam of the Time (a.s.) Based on the method of interrogation of Martyr Sadr

Seyyed Ebrahim Masoumi*

Doi: <https://doi.org/10.22034/IRP.2025.481705.2189>

Receipt: 2025/02/15 - Accepted: 2025/06/15

(34-61)

Abstract

The Islamic Revolution of Iran, as a political system based on religious teachings, places special emphasis on training and empowering efficient and level managers and agents to achieve the goals of growth and excellence of society. The present study seeks to explain the components of the level agents of the Islamic Revolution in preparing the emergence. By adopting a qualitative content analysis approach, this study examines in detail the characteristics of the agents of the political system at two levels of insight (intellectual-belief) and action (functional). The theoretical and methodological basis of this research is the Holy Quran and authentic Islamic narrations, and by using the interpretative method of Martyr Sadr, the issues raised are presented in verses and hadiths, and their answers are extracted from various sources. The research findings at the insight level include: ethics of agents, strengthening the spirit of self-control, controlling power through self-purification and creating and strengthening Islamic brotherhood and sisterhood, and at the action level include: fighting against heresy, commitment to equality and social justice, ensuring the security of the society, striving for meritocracy and adherence to promises. These components collectively provide a comprehensive picture of the characteristics of desirable agents for realizing the sublime goals of the Islamic Revolution and laying the groundwork for the emergence of the Savior.

Keywords: Taraz agents, Islamic Revolution, laying the groundwork for the emergence, interrogation method and martyr Sadr.

*. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of kashan, Kashan, Iran.
masomi6228@kashanu.ac.ir



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام
پژوهشگاه مصلحت‌سیاسی و دفاعی
P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720
نشانی پانگه نشریه: <http://ipr.isri.ac.ir>
سال سیزدهم، شماره بیست و هشتم

مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور امام زمان عج بر اساس روش استنتاج شهید صدر

سید ابراهیم معصومی*

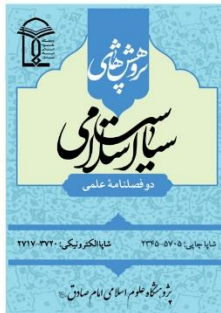
Doi: 10.22034/ipr.2025.500239.2228

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵
(۳۴-۶۱)

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، به مثابه یک نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های دینی، تأکید ویژه‌ای بر تربیت و توانمندسازی مدیران و کارگزاران کارآمد و تراز برای نیل به اهداف رشد و تعالی جامعه دارد. پژوهش حاضر، در پی تبیین مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی در مقام زمینه‌سازی ظهور است. این مطالعه با اتخاذ رویکرد تحلیل محتوای کیفی، به بررسی دقیق ویژگی‌های کارگزاران نظام سیاسی در دو سطح بینشی (فکری-اعتقادی) و کنشی (عملکردی) می‌پردازد. مبنای نظری و روش شناختی این پژوهش، قرآن کریم و روایات معتبر اسلامی بوده و با بهره‌گیری از روش تفسیری شهید صدر، مسائل مطرح شده به آیات و احادیث عرضه شده و پاسخ‌های آن‌ها از منابع گوناگون استخراج گردیده است. یافته‌های پژوهش در سطح بینشی شامل: اخلاق مداری کارگزاران، تقویت روحیه خودکنترلی، مهار قدرت از طریق تهذیب نفس و ایجاد و تقویت اخوت و برادری اسلامی، می‌باشد و در سطح کنشی نیز شامل: مبارزه با بدعت‌گذاری، التزام به مساوات و عدالت اجتماعی، تأمین امنیت جامعه، اهتمام به شایسته‌سالاری و پایبندی به وفای به عهد می‌باشند. این مؤلفه‌ها در مجموع، تابوی جامعی از ویژگی‌های کارگزاران مطلوب برای تحقق اهداف متعالی انقلاب اسلامی و بسترسازی برای ظهور منجی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: کارگزاران تراز، انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی ظهور، روش استنتاج و شهید صدر.



* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه
کاشان، کاشان، ایران
Masomi6228@kashanu.ac.ir

مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران که مهم‌ترین هدف عالیه آن زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد، از هیچ کوششی برای فراهم‌سازی مقدمات ظهور فروگذار نمی‌کند و با هدایت جامعه به سوی آرمان شهر دینی که همان‌جامعه تحت حاکمیت امام مهدی علیه السلام است، موفق به تحصیل رضایت شارع مقدس می‌گردد. نقطه آغازین حرکت در این مسیر تربیت و پرورش کارگزارانی شایسته است که علاوه بر الگو بخشی به مردم جامعه و هدایت آنان، بازوان قدرتمند حضرت ولی عصر علیه السلام در انقلاب و حکومت جهانی خواهند بود. در این راستا مؤلفه‌های حکومت زمینه‌ساز، به تصویر کشیدن و عملیاتی کردن راهکارهای عملی برای زمینه‌سازی ظهور است که در پرتو بعضی روایات که به تبیین امور مورد اهتمام حضرت ولی عصر علیه السلام در سامان بخشی به کارگزاران و هدایت و تربیت آنان وارد شده، دست‌یافتنی است. بدیهی است انقلاب اسلامی ایران که تمام تلاشش زمینه‌سازی ظهور است، از این‌رو برای پرورش و تربیت کارگزاران در جهت الگو برداری از حاکمیت مهدوی می‌کوشد تا حکومتی را پایه‌ریزی کند که مورد انتظار شارع بوده و ارکانش بر اساس روایات وارده، شبیه‌ترین به حکومت امام عصر علیه السلام بنیان‌گزارده شود. بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران به عنوان حکومت زمینه‌ساز، با برنامه‌ریزی در جهت تربیت اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی کارگزاران، علاوه بر مهیا کردن شرایط جامعه برای ظهور منجی، استحکام بخش پایه‌های حکومت جهانی آن حضرت نیز می‌باشد. ثمره این حرکت تعالی بخش علاوه بر شکل‌گیری جامعه مطلوب دینی، آماده‌سازی نیروهای کارآمد و متعهد است تا نقش‌آفرین در انقلاب و حکومت مهدوی گردند. از این‌رو حکومت زمینه‌ساز (انقلاب اسلامی ایران)، متشکل از کارگزارانی است که با هدف تحقق جامعه مطلوب دینی گام برداشته، رفتار و عملکرد صحیح آنان، واکنشی اخلاقی را از سوی مردم در پی دارد چون اخلاق اجتماعی، در تعامل رفتاری ایجاد می‌شود و در فضای کنش و واکنش شکل می‌گیرد. بر این اساس، اقدام در جهت پرورش اخلاقی کارگزاران، حرکتی ملی در پی داشته و فرهنگ‌ساز جامعه دینی است زیرا دامنه اخلاق از رفتارهای فردی آغاز شده آن‌گاه در سطح جامعه و نهادهای

اجتماعی تسری می‌یابد و فرهنگ جوامع را شکل می‌دهد. همچنین روش تفسیری استنتاجی شهید سید محمدباقر صدر، به معنای «به سخن آوردن» یا «پرسشگری از متن» است که از یک رویکرد فعال و دیالکتیکی به فهم متون دینی بهره می‌برد. در این روش، مفسر تنها به استخراج معنای ظاهری نمی‌پردازد، بلکه با طرح پرسش‌های جدید و چالش‌برانگیز از متن، لایه‌های عمیق‌تری از مقصود شارع را کشف می‌کند. این قابلیت در روند پژوهش به محقق امکان می‌دهد تا با فراتر رفتن از خوانش‌های سطحی، به نظریه‌پردازی‌های نوین و کاربردی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی دست یابد و پاسخگویی نیازهای فکری و چالش‌های زمانه باشد. در نهایت اینکه مقاله پیش رو با روش تفسیری استنتاجی شهید صدر و با چارچوب نظری کنشی و بینشی بر مبنای روایات، مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور را موردبررسی قرار می‌دهد. مؤلفه‌های تراز کارگزاران در دو بعد «بینشی» (شامل اخلاق‌مداری، خودکنترلی، مهار قدرت با تهذیب نفس و تقویت اخوت) و «کنشی» (شامل مبارزه با بدعت‌گذاری، التزام به مساوات و عدالت، تأمین امنیت اجتماعی، شایسته‌سالاری و پابندی به وفای به عهد)، چارچوبی جامع و بسنده را برای تعریف و ارزیابی کارگزاران مطلوب ارائه می‌دهند. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که کارگزار تراز هم باید از درون به کمالات اخلاقی و معرفتی دست یابد و هم در عمل، رفتارهای عادلانه، مسئولانه و سازنده را به نمایش بگذارد تا کارآمدی و مقبولیت عمومی را تضمین کند. این مؤلفه‌ها از طریق یک رویکرد پژوهشی شده‌اند. در بعد نظری، مطالعه و تحلیل عمیق متون دینی (مانند قرآن و احادیث)، فلسفه اخلاق اسلامی و آموزه‌های مرتبط با حکومت‌داری اسلامی نقش کلیدی داشته‌اند. در بعد کاربردی، می‌توان فرض کرد که تحلیل تجربی سیره و عملکرد کارگزاران موفق در تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی، به شناسایی و تدقیق این شاخص‌ها کمک کرده است. این روش، اعتبار و جامعیت مؤلفه‌های استخراج‌شده را افزایش می‌دهد.

پیشینه تحقیق

در راستای تبیین مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله فرجه بر

اساس روش استنتاج شهید صدر، بررسی پژوهش‌های اخیر در حوزه‌های مرتبط ضروری است. اگرچه مقاله‌ای دقیقاً با ترکیب این سه محور اصلی (کارگزاران، زمینه‌سازی ظهور و روش استنتاج شهید صدر) به صورت مستقیم یافت نشد، اما می‌توان از مطالعاتی که به ابعاد مختلف انقلاب اسلامی در زمینه مهدویت، یا به ویژگی‌های کارگزاران، می‌پردازند، بهره برد. مقالات زیر، نمونه‌هایی از پژوهش‌های متأخر هستند که در این حوزه تألیف شده‌اند:

۱. تبیین گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران در راستای تحقق قیام مهدوی؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام (ایوب پورقیومی و میثم رضائی، مشرق موعود، بهار ۱۴۰۳ شمسی): این مقاله به نقش انقلاب اسلامی در راستای قیام مهدوی با اندیشه امام خمینی ره می‌پردازد و می‌تواند در تبیین ابعاد زمینه‌سازی انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های مورد نیاز برای کارگزاران این مسیر، مفید باشد.

۲. ظرفیت‌های اندیشه مهدویت در ایجاد کارآمدی، اقتدار و ثبات تمدنی با تکیه بر انقلاب اسلامی (جعفر علینقی و احمد رهدار، مشرق موعود، بهار ۱۴۰۳ شمسی). این مقاله بر ظرفیت‌های مهدویت در ایجاد کارآمدی در بستر انقلاب اسلامی تأکید دارد. مفهوم کارآمدی برای کارگزاران بسیار حیاتی است و این مقاله می‌تواند در این زمینه بینش‌هایی را ارائه دهد.

۳. مهدویت در اندیشه‌نامه انقلاب اسلامی (ابراهیم شفیع سروستانی و همکاران، شهریور ۱۴۰۳ شمسی): این مقاله به بررسی جامع مفهوم مهدویت در چارچوب فکری انقلاب اسلامی می‌پردازد. این دیدگاه می‌تواند در تحلیل مبانی نظری که کارگزاران انقلاب اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور به آن نیاز دارند، موثر باشد.

۴. گفتمان پیوند فرهنگ انقلاب اسلامی و تعلیم و تربیت مهدوی (سلیمان حلیمی جلودار، منتشر شده در همایش ملی مهدویت، انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی، دی ۱۴۰۳ شمسی): این مقاله به تعلیم و تربیت مهدوی در بستر انقلاب اسلامی می‌پردازد. این موضوع مستقیماً با تربیت کارگزاران تراز مرتبط است و می‌تواند راهبردهای عملی را پیشنهاد کند.

اما پژوهش حاضر دارای سه ویژگی اصلی است که باعث تمایز با مقالات فوق می‌شود:

۱. **جامعیت و ترکیب مفاهیم:** مقالات موجود معمولاً فقط روی یک یا دو جنبه از موضوع حاضر تمرکز دارند. مثلاً برخی به اخلاق کارگزاران می‌پردازند، بعضی دیگر به نقش انقلاب اسلامی در مهدویت یا کارآمدی در حکومت اسلامی توجه دارند؛ اما پژوهش حاضر به دنبال ترکیب هر سه بعد اصلی (کارگزاران تراز انقلاب اسلامی + زمینه‌سازی ظهور + روش استنتاج شهید صدر) در یک تحقیق واحد و منسجم می‌باشد. از این رو مقاله حاضر، همه این اجزا رو به هم مرتبط می‌کند، در حالی که مقالات دیگر هر کدام فقط روی یک بخش تمرکز دارند.

۲. **تمرکز بر کارگزاران تراز:** خیلی از مقالات به صورت کلی به مهدویت یا نقش انقلاب اسلامی می‌پردازند، اما کمتر مقاله‌ای هست که به طور خاص و عمیق، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های افراد (کارگزاران) را که در این مسیر نقش دارند، بررسی کند. پژوهش پیش رو مستقیماً به شناسایی این ویژگی‌ها می‌پردازد.

۳. **روش‌شناسی منحصر به فرد (استنتاج شهید صدر):** این مهم‌ترین تفاوت مقاله حاضر نسبت به سایر مقالات است. هیچ کدام از مقالاتی که در مورد مهدویت یا کارگزاران صحبت می‌کنند، از روش خاص و نوآورانه استنتاج شهید صدر برای استخراج داده‌هایشان استفاده نکردند. مقالاتی هم که در مورد روش استنتاج شهید صدر موجود است، فقط به تبیین این روش پرداختند و به کاربرد عملی آن برای استخراج مؤلفه‌های کارگزاران ورود نکردند. پژوهش پیش رو، برای اولین بار این روش‌شناسی را به کار می‌بندد تا به نتایج جدیدی در مورد کارگزاران زمینه‌ساز ظهور برسد.

به عبارت دیگر، موضوع مقاله حاضر یک پازل سه تکه است که هر سه تکه رو در کنار هم قرار می‌دهد و از یک ابزار خاص (استنتاج) برای حل آن استفاده می‌کند، در حالی که مقالات دیگر فقط روی یکی از این تکه‌ها متمرکز می‌باشند یا از ابزارهای متفاوتی استفاده می‌کنند. این باعث می‌شود پژوهش حاضر نوآورانه باشد و خلأ تحقیقاتی موجود را پر کند.

مفهوم‌شناسی

ظهور:

ظهور در لغت به معنای آشکار شدن یا نمایان شدن چیز پنهان است. این مفهوم در اصطلاح مهدویت به ظهور امام مهدی علیه السلام اشاره دارد که به معنای نمایان شدن ایشان پس از دوره ای طولانی از غیبت برای برپایی عدالت و داد در جامعه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ: ۵۴۰).

ظهور امام مهدی علیه السلام به دو معنا اصلی تقسیم می‌شود:

آشکار شدن امام علیه السلام: این معنا به معرفی و شناساندن امام به مردم پس از غیبت اشاره دارد. در این مرحله، امام خود را به مردم معرفی کرده و از آن‌ها یاری می‌طلبد. اعلان قیام: این معنا شامل انقلاب امام علیه ستمگران و برپایی حکومت عدل جهانی است.

و ظهور امام مهدی علیه السلام را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

مرحله نخست: ظهور و آشکار شدن که تنها تحت اراده و علم الهی قرار دارد. مرحله دوم: قیام و نهضت که به امر الهی صورت می‌گیرد و شامل مبارزه با دشمنان است.

مرحله سوم: تثبیت و برقراری حکومت جهانی (دهخدا، ۱۳۷۷). ذیل لغت ظهور).

زمینه‌سازی:

زمینه‌سازی در کتب مختلف به صورت ذیل مفهوم‌سازی شده است:

«زمینه‌سازی در واقع به وجود آوردن مقدمات انجام امری است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۸۷۷). و زمینه‌سازی ظهور یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز و حاکمیت جهانی‌اش را تحقق بخشد (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸، ص ۲۰). بر این اساس، حکومت زمینه‌ساز حکومتی است که با برنامه‌ریزی در جهت تربیت اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی کارگزاران، علاوه بر مهیاکردن شرایط

جامعه برای ظهور منجی، استحکام بخش پایه‌های حکومت جهانی آن حضرت گردد» (حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۰۸)؛ (دهخدا، ۱۳۷۷. ذیل لغت زمینه‌سازی).

انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی را چنین تعریف می‌کنند: انقلاب یک حرکت عظیم در مقابل فساد و بی‌کفایتی رژی می بود که تا خرخره در لجنزارهای فساد و وابستگی گرفتار شده بود. (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۰/۰۱/۰۱)؛ و ایشان در جای دیگری در تعریف و توصیف انقلاب اسلامی می‌فرماید: انقلاب اسلامی که بزرگ‌ترین تحول و تغییر قدرت در طول تاریخ ما بود و اساس سلطنت و حکومت فردی را به حکومت مردمی تبدیل کرد، با نیروی مردم انجام گرفت (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۱)؛ و همچنین انقلاب اسلامی به معنای قیام و اراده مردم مسلمان برای سرنگونی حکومت ستم‌شاهی و برقراری حق و عدالت بر اساس مکتب اسلام است. این انقلاب ریشه در اعتقادات عمیق مردم به اسلام و پیروی از آموزه‌های پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار ﷺ دارد. از نظر لغوی، واژه «انقلاب» به معنای دگرگونی و تحول است که در ابتدا از اصطلاحات علم اخترشناسی برای توصیف حرکت دورانی ستارگان استفاده می‌شد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک تحول اجتماعی-سیاسی، تغییرات اساسی در ساختار جامعه و نظام سیاسی را بر اساس ارزش‌های اسلامی و نظام امامت به دنبال داشت. انقلاب اسلامی ایران، یک تحول اجتماعی و سیاسی بزرگ بود که در سال ۱۳۵۷ ش به وقوع پیوست. این انقلاب به رهبری امام خمینی و با مشارکت گسترده مردم علیه رژیم سلطنتی پهلوی شکل گرفت و منجر به تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران شد. هدف اصلی انقلاب اسلامی، برقراری حاکمیت دین و تحقق آموزه‌های اسلامی بود. امام خمینی، رهبر این انقلاب، تأکید داشت که مهم‌ترین هدف شکل‌گیری این انقلاب، ترویج اخلاق و آداب اسلامی، تربیت نسل آینده و اصلاح فرهنگ است (آرنت، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۶). همچنین شهید مرتضی مطهری نیز معتقد است که: «انقلاب اسلامی راهی است که هدف آن، اسلام و ارزش‌های اسلامی می‌باشد و انقلاب و مبارزه، تنها برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد. در این صورت

انقلاب اسلامی متفاوت با اسلام انقلابی خواهد بود، زیرا در صورت اخیر، انقلاب و مبارزه هدف خواهد بود و نه وسیله، برخلاف صورت نخست که مبارزه و انقلاب، وسیله است نه هدف» (مطهری، ج ۲۴: ۱۷۲).

کارگزاران تراز

کارگزاران تراز به معنای افرادی هستند که در نظام اسلامی ایران، به‌ویژه در گام دوم انقلاب اسلامی، باید ویژگی‌ها و شایستگی‌های خاصی را داشته باشند تا بتوانند به تحقق اهداف عالی نظام کمک کنند. این مفهوم به طور خاص به کارگزارانی اشاره دارد که از نظر اعتقادی، معنوی، اخلاقی و رفتاری با آرمان‌های انقلاب اسلامی هم‌راستا هستند (عمید، ۱۳۹۵، ذیل لغت کارگزار). از این‌رو کارگزاران باید دارای ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری باشند که مطابق با آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. همچنین این کارگزاران باید متعهد به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشند و در راستای تحقق آن‌ها تلاش کنند و در نهایت کارگزاران تراز باید توانایی‌های مدیریتی لازم را برای اداره امور کشور داشته باشند و در راستای عدالت و خدمت‌رسانی به مردم عمل کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

چارچوب نظری: نظام سیاسی به مثابه انسان

در این پژوهش، برای تحلیل و تبیین مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور، از یک چارچوب نظری تمثیلی استفاده شده است. این چارچوب، نظام سیاسی را به انسان تشبیه می‌کند (شفیعی، ۱۳۹۹: ۲۳). انتخاب این تمثیل نه تنها به درک بهتر پیچیدگی‌های نظام سیاسی کمک می‌کند، بلکه امکان بهره‌گیری از مدل‌های تحلیل وجودی انسان را برای واکاوی ساختار و کارکرد یک حکومت فراهم می‌آورد. همانطور که خلقت انسان دارای دو بعد اساسی است:

نشئه ظاهری (بعد جسمانی و مادی): این بعد شامل تمام عملکردها، کنش‌ها، واکنش‌ها و نمودهای عینی انسان است که قابل مشاهده و ارزیابی در «مقام ثبوت» یا واقعیت بیرونی هستند. این بعد بیانگر آن چیزی است که انسان «انجام می‌دهد».

نشئه باطنی (بعد روحی، فکری و معنوی): این بعد شامل افکار، عقاید، امیال درونی، ارزش‌ها، جهان‌بینی و نیت‌های قلبی انسان است که در «مقام اثبات» یا قلمرو درونی و ذهنی او قرار دارند. این بعد نشان‌دهنده آن چیزی است که انسان «باور دارد» یا «در درون خود می‌پروراند».

با الهام از این دوگانگی وجودی در انسان، نظام سیاسی نیز در این مقاله از دو حیث مورد بررسی قرار می‌گیرد:

سطح کنشی (عملکردی): این سطح معادل نشئه ظاهری انسان است و به جنبه‌های عینی و اجرایی عملکرد کارگزاران و نظام سیاسی می‌پردازد. شامل چگونگی اجرای قوانین، نحوه ارائه خدمات، مدیریت بحران‌ها، روابط اجتماعی و اقتصادی و تمامی اقداماتی که به صورت ملموس و بیرونی توسط کارگزاران انجام می‌شود. در این راستا، مبارزه با بدعت‌گذاری، التزام به مساوات و عدالت، تأمین امنیت اجتماعی جامع، ایجاد، اهتمام به شایسته‌سالاری و پایبندی به وفای به عهد از مهم‌ترین مؤلفه‌های این سطح محسوب می‌شوند. این بعد بر «آنچه کارگزاران انجام می‌دهند» متمرکز است.

سطح پیشی (فکری-اعتقادی): این سطح معادل نشئه باطنی انسان است و به جنبه‌های فکری، اعتقادی، ارزشی و جهان‌بینی کارگزاران و نظام حاکم می‌پردازد. این شامل ایدئولوژی حاکم بر سیستم، مبانی نظری تصمیم‌گیری‌ها، باورهای دینی و اخلاقی مدیران و ریشه‌های فکری اقدامات آن‌هاست. در این سطح، اخلاق‌مداری کارگزاران، تقویت روحیه خودکنترلی، مهار قدرت از طریق تهذیب نفس و تقویت اخوت و برادری اسلامی از جمله مؤلفه‌های کلیدی هستند. این بعد بر «آنچه کارگزاران به آن باور دارند و بر اساس آن عمل می‌کنند» تأکید دارد.

نظام سیاسی به مثابه انسان از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری، نظام سیاسی را چیزی فراتر از یک ساختار خشک میدانند؛ ایشان آن را مانند یک انسان زنده می‌دانند که دارای روح، جسم و اخلاق است:

- روح نظام: همان آرمان‌ها، ارزش‌ها و مبانی فکری اسلامی آن است (مثل معنویت و عدالت‌خواهی).

- جسم نظام: شامل ساختارها و نهادهای اجرایی (مثل دولت، مجلس، قوه قضائیه) است که باید سالم و کارآمد باشند.
 - اخلاق نظام: یعنی خدمت‌گزاری، صداقت و عدالت در رفتار کلی نظام. همانطور که یک انسان برای بقا نیاز به مراقبت مداوم، تشخیص و درمان بیماری‌ها (مثل فساد یا انحراف از اصول) دارد، یک نظام نیز برای رشد و پیشرفت به همین مراقبت‌ها نیازمند است. در این میان، کارگزاران (مسئولین) نقش اعضای حیاتی بدن را ایفا می‌کنند؛ سلامت و کارآمدی آن‌ها مستقیماً بر سلامت کل نظام تأثیر می‌گذارد. (مقام معظم رهبری (۱۴۰۱)، ۱۴ خرداد). بیانات در مراسم سی‌وسومین سالگرد ارتحال امام خمینی (عج).
- در نهایت هدف از این چارچوب نظری، این است که تحلیل صرفاً به عملکرد بیرونی محدود نشود، بلکه ریشه‌های فکری و اعتقادی این عملکردها نیز مورد واکاوی قرار گیرد. به دلیل ماهیت دینی انقلاب اسلامی و آرمان آن برای زمینه‌سازی ظهور، پرداختن به ابعاد بینشی کارگزاران، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، چراکه صلاحیت ظاهری و عملکردی باید برخاسته از یک بنیاد فکری و اعتقادی صحیح و الهی باشد. این رویکرد دو بعدی (بینشی و کنشی) این امکان را فراهم می‌آورد تا ویژگی‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی از منظر قرآن و روایات، به صورت جامع‌تر و عمیق‌تر مورد تحلیل قرار گیرند و مشخص شود که چگونه باورها و ارزش‌های درونی آنها، به اقدامات و عملکردهای زمینه‌ساز ظهور منجر می‌شود.



روش تحقیق (روش استنتاج شهید صدر)

حداقل دو نوع روش تفسیری وجود دارد که عبارت است از ترتیبی که مانند سوره‌های قرآن کریم از سوره حمد شروع شده و به سوره... ختم می‌شود و تفسیر به سوره سوره متوالی و آیه به آیه توسط مفسر تفسیر می‌شود، روش دیگر تفسیر، موضوعی بوده که در این نوع تفسیر، آیات قرآن

کریم به صورت موضوعی مانند سیاسی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، جهاد و... انتخاب شده و تفسیر می‌شود (شهید صدر، ۱۴۲۱ ق: ۲۰) تفسیر موضوعی نیز به چندگونه تقسیم می‌شود که یکی از آن‌ها تقسیم به استخراجی و استنتاجی است. در روش تفسیر موضوعی استنتاجی، مفسر موضوعات و مسائل پیرامونی از قبیل مسائل: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... را به قرآن کریم عرضه نموده و در بین آیات برای تبیین پاسخ آن‌ها جستجو کرده و آیات ناظر به آن موضوع و مسئله را استخراج می‌کند و در حقیقت جواب قرآن درباره آن موضوع را دریافت می‌کند (معرفت، ۱۳۷۳: ۵۲۷/۲، معصومی، ۱۴۰۳: ۷۸).

یکی از سؤالاتی که در این موضوع پیش می‌آید این است که مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور را چرا از قرآن استخراج کرد؟ در جواب میتوان گفت چون نظام‌های سیاسی در دنیا بر مبنای سنت الهی برای بسط و گسترش عدالت بپا خواسته اند و بزرگ‌ترین آرمانشان مبارزه با ظلم و طاغوت بوده است و پس از پیروزی هم در راستای ایجاد امنیت و رفاه برای مردم تلاش می‌کنند از این رو قرآن کریم و روایات به عنوان تراث چه مطالبی را به عنوان مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور بیان کرده است از این رو برای نیل به این موضوع، از روش تفسیری استنتاجی شهید صدر استفاده نموده و با عرضه موضوع و مسئله مورد هدف به قرآن کریم و روایات جواب را از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند (شهید صدر، ۱۴۲۱ ق: ۳۰، معصومی، ۱۴۰۳: ۷۹).

شهید صدر در تبیین و توضیح تعریف فوق با استناد به روایت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین توضیح می‌دهند:

«ذلک القرآن فاستنطقوه» (سید رضی، ۱۳۸۶: ۲۰۸) معتقد است که باید حل مشکلات و مسائل را از قرآن طلب نمود. ایشان تعبیر استنطاق (به سخن درآوردن قرآن) را بهترین بیان در تأیید تفسیر موضوعی دانسته (شهید صدر، ۱۴۲۱ ق: ۳۰) و می‌فرماید: جمع آوری آیات مربوط به یک مسئله خارجی و جمع‌بندی و تفسیر آن‌ها روشی توحیدی بوده که در آن، میان تجربه بشری و قرآن (بدون تحمیل تجربه بشری بر قرآن) و وحدت ایجادشده و بین مدلولات تفصیلی آیات مربوط به یک مسئله، ساختار نظری واحدی برقرار می‌کند (شهید صدر، ۱۴۲۱ ق: ۲۰).

روش تحقیق در این نوشتار الگوی استنتاجی است یعنی اینکه موضوعات و مسائل مد نظر نویسندگان (مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور) به قرآن کریم و روایات عرضه شده و آیات و روایاتی که در این باره وارد شده مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نظر قرآن و روایات درباره موضوع خاص تبیین می‌شود (معصومی، ۱۴۰۳: ۷۸-۷۹).

مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور

کارگزاران تراز در انقلاب اسلامی ایران نه تنها باید دارای ویژگی‌های فکری قوی باشد بلکه باید در عمل نیز نمونه‌ای از اخلاق، تعهد و مدیریت صحیح باشد. این ویژگی‌ها موجب می‌شود که او بتواند در راستای اهداف عالی انقلاب اسلامی و در نهایت برای زمینه‌سازی ظهور، گام‌های مهمی بردارد و جامعه را به سمت ظهور امام زمان علیه السلام هدایت کند.

مؤلفه‌های کارگزاران تراز به لحاظ بینشی

کارگزاران تراز به لحاظ بینشی در نظام اسلامی به افرادی اطلاق می‌شود که با ویژگی‌ها و صلاحیت‌های خاص، توانایی اداره امور را دارند، این ویژگی‌ها به ویژه در متون دینی مورد تأکید قرار گرفته است از این رو مؤلفه‌های کارگزاران تراز به لحاظ بینشی در نظام اسلامی، به ویژه در پرتو آیات و روایات، شامل چندین جنبه کلیدی است که بر اساس معیارهای ذیل تقسیم‌بندی می‌شوند:

اخلاق مداری کارگزاران

اخلاق، مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان‌هاست در افعال و رفتاری که از خلیات انسان ناشی می‌گردد و در ارتباطی پایدار مبتنی بر رعایت حقوق و یا منافع طرف ارتباط بروز خارجی می‌یابد. بر این اساس «اخلاق به نسبت بین دو امر اطلاق می‌شود: کسی که رفتاری انجام می‌دهد و کسی یا چیزی که به نحوی هدف آن رفتار قرار می‌گیرد. طرف ارتباط، حقوقی دارد و صاحب رفتار ارتباطی، در قبال آن حقوق وظایفی دارد» (قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۶۰).

سازمان‌ها نیازمند بیانیه اخلاقی است. اخلاقیات سازمان حکومتی بر ارزش‌های عام و جهان‌شمول اخلاق اسلامی استوار است. این اصول اخلاقی، بنیان فضایل رفتاری را رقم

می‌زند. بدیهی است تحقق عملی و فراگیری منشور اخلاقی در سازمان، مرهون تعامل رفتار اخلاقی مدیران و کارگزاران با یکدیگر است. مدیران با اهتمام بر اصول اخلاقی، اسوه‌ای عملی در تحکیم این اصول در لایه‌های پایین رقم می‌زنند و کارگزاران با التزام به آن، در ترویج و انتشار آن در سازمان می‌کوشند. همچنین در جامعه‌ای که کارگزاران آن بر مبنای اصول اخلاقی اسلامی با مردم در تعامل باشند و نگاه آنان خدمت به مردم باشد نه صرفاً حکومت، چنین جامعه‌ای معیارهای جامعه منتظر را در خود هویدا می‌سازد. جامعه زمینه ساز ظهور جامعه مطلوبی است که روح حاکم بر قوانین آن، از دستورالعمل‌های دینی نشأت گرفته است. به همین جهت تحقق چنین جامعه‌ای خاص ظهور حضرت نمی‌باشد بلکه وقوع آن مورد انتظار شارع بوده و در هر دوره و زمانی شکل‌گیری آن ضروری است (مولوی و فیض افرا، ۱۳۹۸: ۱۸۱).

ترسیم حاکمیت و ارکان حکومت، تعیین راهبردها و راهکارهای اخلاقی کارگزاران در این جامعه مطلوب، نیازمند واکاوی از منابعی است که خطاناپذیر بوده و بنیانش بر اساس حق و حقیقت استوار گردیده است. به همین جهت تحقق مدینه فاضله دینی، علاوه بر منبع گفتاری در عرصه دین، نیازمند الگویی عملی است که بر اساس الگوی دینی شکل گرفته باشد و از آنجا که حکومت مطلوب اسلامی در کامل‌ترین شکل خود پس از رسول خدا ﷺ در حاکمیت امیر مؤمنان ﷺ بروز داشته است، استخراج شیوه‌های حکومتی ایشان و تأسی به آن زمینه ساز حکومت مهدی موعود است. مهم‌ترین دلیل بر این ادعا روایت امام صادق ﷺ است که فرمود: «... أَنْ قَاتِمَنَا إِذَا قَامَ لَيْسَ لِبَاسٍ عَلَيَّ وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱).

تقویت روحیه خودکنترلی

خودکنترلی یعنی بررسی و نظارت بر اعمال و رفتار توسط خود شخص نسبت به کارهایی که در حیطه اختیارات خود می‌دهد. اصل خودکنترلی یا رعایت تقوا در همه امور، علاوه بر تأکیدات قرآنی در فرمایشات و عملکرد معصومین علیهم‌السلام مورد اهتمام، توجه و سفارش به افراد و نیز رده‌های حکومتی بوده است زیرا اهتمام حاکمان و مدیران به این امر علاوه بر

الگو بخشی به کارگزاران، به جامعه تسری یافته مورد اهتمام افراد جامعه می‌گردد. سریان این اصل از سوی والیان سبب شده که در فرمایشات و نامه‌های امیرمؤمنان علیه السلام به والیان مورد تأکید بسیار قرار گیرد. (ر.ک: صبحی صالح، نامه ۵۳؛ هاشمی خونی، ۱۳۵۸، ج ۱۹، ص ۴۱) و از آنجاکه به فرمایش امام صادق علیه السلام سیره امام مهدی علیه السلام مطابق سیره امیرمؤمنان است یکی از مهم‌ترین دستورالعمل‌های حکومتی ایشان، اهتمام رده‌های حکومتی به خودکنترلی و رعایت تقواست.

این در حالی است که در بعضی روایات، تقوا و عمل صالح، مهم‌ترین ویژگی منتظران حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده است: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَتَّقِ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ» (نعمانی، ۱۳۹۷ ق، ص ۲۰۰). بنابراین یکی از مهم‌ترین اموری که باید از سوی کارگزاران مورد توجه قرار گیرد تا به‌راستی از منتظران گردند تقویت خودکنترلی و ایجاد ملکه تقواست (مولوی و فیض افرا، ۱۳۹۸: ۱۸۲).

مهار قدرت با تهذیب نفس

قدرت - از هر نوع که باشد - به یقین فسادی مناسب با خود را در پی خواهد داشت. در این فساد انگیزی، هم‌چنان که در نوع قدرت تفاوتی نیست، در خصوص شخص قدرتمند نیز تمایزی ندارد؛ یعنی همان‌گونه که هر شخصی که قدرت در دست دارد احتمال افتادن در فساد می‌باشد (بهروزی لک و احمدی، ۱۳۹۳: ۸۱-۸۲). از این رو اگر کارگزاران در دولت اسلامی به تهذیب نفس نپردازند و نفس خود را لجام نزنند مقهور ظواهر دنیا و قدرت ظاهری شده و به انحراف کشیده می‌شوند در چنین وضعیتی، آن دولت قادر نخواهد بود جامعه اسلامی را به سمت آرمان شهر دینی هدایت کند و نه تمایلی به این امر دارد. امام صادق علیه السلام حکومت یگانه قائم علیه السلام آل محمد علیهم السلام را ویرانگر حکومت ابلیس و در مقابل آن می‌خواند و می‌فرماید: «... مَا زَالَ مُدْ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ دَوْلَةً لِلَّهِ وَ دَوْلَةً لِإِبْلِيسَ، فَأَيُّنَ دَوْلَةُ اللَّهِ؟ أَمَا هُوَ إِلَّا قَائِمٌ» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۱۹۹). سازماندهی به حکومت زمینه‌ساز با کارگزاری پرورش یافته و مهذب، پرهیز از هوای نفس و غرور حاکی از قدرت را در پی دارد تا در عمل، مطابق با کارگزاران عصر ظهور گردند چراکه وصف حکومت مهدوی در فرمایش

امیر مؤمنان علیه السلام مهار هوس در مسیر هدایت است: «... يَعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ...» (صبحی صالح، خطبه ۱۳۸).

ایجاد و تقویت اخوت و برادری

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله در پی نزول آیه اخوه (حجرات: ۱۰) ایجاد عقد برادری و اخوت بین مهاجرین و انصار بود. ثمره این حرکت مدبرانه، علاوه بر استحکام پایه‌های حکومت دینی، حاکمیت اصول اخلاقی را در پی داشت. امام صادق علیه السلام شیعیان را از تحقق چنین فضایی در عصر ظهور حضرت قائم علیه السلام خبر می‌دهد و می‌فرماید: «یاران و صحابه قائم علیه السلام همدیگر را مانند برادران حقیقی (فرزندان یک پدر و مادر) ملاقات می‌کنند و اگر شب از یکدیگر جدا شوند، صبح به ملاقات هم می‌شتابند» «...إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَلْقَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَنَّهُمْ بَنُو أَبِي وَأُمِّ، وَإِنْ افْتَرَقُوا عِشَاءً اتَّقَوْا غَدْوَةً...» (طبری آملی، ۱۴۱۳، ص ۵۶۲). علاوه بر این، امام صادق علیه السلام در روایاتی دیگر از لزوم برادری و وجوب رعایت حقوق آن، در آن زمان خبر می‌دهد و در برابر سؤال اسحاق بن عمار که از سهیم کردن برادران در مال و حقوق واجب آنان پرسیده بود، می‌فرماید: «این امر تنها در هنگام قیام قائم علیه السلام است که بر آنان واجب است که برادرانشان را تجهیز و آنان را تقویت کنند» (صدوق، ۱۴۰۲، ص ۳۶). ایجاد و تقویت اخوت و برادری در حکومت زمینه‌ساز، علاوه بر آماده‌سازی شیعیان برای رعایت وجوب این امر در زمان حضور، ثمرات بزرگی در جامعه انسانی در پی خواهد داشت و جامعه را به سوی مدینه فاضله‌ای سوق می‌دهد که به دور از اختلافات، خودخواهی‌ها و خودسری‌ها بوده و آکنده از اخلاقیات و اصول انسانی است.

مؤلفه‌های کارگزاران تراز به لحاظ کنشی

کارگزاران تراز به لحاظ کنشی با توجه به شایستگی‌های خود می‌توانند در زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام مؤثر باشند. آن‌ها باید با هم افزایی و همکاری، گام‌های مؤثری در جهت توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نظام اسلامی بردارند. این همکاری می‌تواند از طریق بسیج منابع انسانی و اجتماعی شکل بگیرد تا به اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی دست یابند. در نهایت، کارگزاران تراز باید همواره در تلاش برای ارتقاء سطح کیفی خدمات خود

به مردم و جامعه اسلامی بوده و با اتخاذ رویکردهای تعالی محور، بر اساس معیارهای ذیل مسیر حرکت جامعه اسلامی را به سمت ظهور هموار سازند:

مبارزه با بدعت‌گذاری

احیاء دین و تمسک به اعتقادات و باورهای مذهبی از سوی حاکمان و کارگزاران اسلامی، تجدید عهد و پیمان الهی است و حکومتی که با تکیه بر اصول اسلامی بنیان نهاده شده، هیچ‌گاه در حل معضلات و مشکلات در نمی‌ماند. همچنین می‌توان گفت پایبندی مردم به دستورات دینی، فقط در صورت اهتمام کارگزاران به این امر و بزرگداشت آن، استوار بوده و بدین سبب فرهنگ اسلامی در جامعه نهادینه می‌گردد. در این راستا یکی از مهم‌ترین وظایف دستگاه حاکمه، پاسداشت سنت‌ها و مبارزه با بدعت‌ها شمرده شده است که در فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام مورد تأکید قرار گرفته که فرمود: بهترین بندگان خدا به نزد خدا پیشوای عادل است که هدایت یابد و هدایت کند و سنت معلوم را به پا دارد و بدعت ناروا را نابود کند، به خدا همه چیز روشن است، سنت‌ها به پاست و نشانه‌ها دارد، بدعت‌ها به پاست و نشانه‌ها دارد. بدترین کسان به نزد خدا پیشوای ستمگری است که گمراه شود و گمراه کند و سنت معلوم را بمیراند و بدعت ناروا را زنده کند (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۳۷).

این امر به تمامه در زمان حاکمیت امام عصر علیه السلام نمودار می‌گردد، به همین جهت، حکومت زمینه‌ساز ظهور موظف است شرایط تحقق این امر را فراهم آورد. امام باقر علیه السلام در تبیین امنیت حکومت مهدوی در پرتو این امر می‌فرماید: «... خداوند مشرق و مغرب زمین را به تسلط آن‌ها در می‌آورد و دین را چیره می‌کند و خداوند به دست او و یارانش، بدعت‌گذاران و اهل باطل را نابود می‌کند، همان‌گونه که نادانان، حق را از بین برده‌اند تا آنجا که اثری از ستم دیده نشود و به نیکی فرمان می‌دهند و از زشتی باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۷). امام حسن عسگری علیه السلام در قالب سخنی کنایه‌آمیز، امام عصر علیه السلام را منهدم‌کننده مناره و محراب مساجد آخرالزمان خوانده و در توضیح این سخن می‌فرماید: «منظور از مناره‌ها و محراب‌ها اموری نوپدید و بدعت‌آمیزند که نه پیامبری آن‌ها را ساخته است و نه حجت است» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۷).

و این تحقق وعده الهی است که در معراج به پیامبر اسلام فرمود: «... بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَتَقْدِيسِي وَتَحْلِيلِي وَتَكْبِيرِي وَتَمْجِيدِي وَبِهِ أَطَهَّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَأُورِثُهَا أَوْلِيَائِي وَبِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِبِي السُّفْلَى وَكَلِمَتِي الْعُلْيَا وَبِهِ أُحْيِي عِبَادِي وَبِلَادِي بِلِعْمِي...» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۶۳۲)؛ بنابراین حکومت زمینه‌ساز ظهور، پرورش دهنده کارگزارانی است که از توانایی لازم در ابطال بدعت و استقرار دین و احکام الهی برخوردار باشند. تأمین چنین نیروهایی، مستلزم برنامه ریزی در جهت تربیت و پرورش صحیح کارگزاران حکومتی است.

التزام به مساوات و عدالت

درباره مفهوم عدل و عدالت علامه طباطبائی در تفسیر المیزان چنین می‌نویسند:

«مفهوم عدل به معنای ملازمت با راه میانه و گریز از افراط و تفریط در کارهاست و حقیقت عدل، برقراری مساوات و هماهنگی در کارها می‌باشد. اجرای عدالت یعنی به هر کس سهم بایسته داده شده و همگان در رسیدن به سهم خود و قرار گرفتن در جایگاه بایسته خود برابر شوند» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ق، ج ۱۲، ص ۳۰۱).

امام صادق علیه السلام اجرای عدالت و مساوات را یکی از شاخصه های عصر ظهور قائم علیه السلام می‌خواند و در توصیف گشایش و بی‌نیازی که در پرتو این عدالت‌گستری محقق می‌شود، می‌فرماید: «... يَعْطَى النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَيَسْوَى بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ وَيَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمُحَارِبِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَصْرُوْنَهَا وَيُدْوِرُونَ فِي دُورِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي ذَرَاهِمِكُمْ...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۳۹۰) در سال دو بار به مردم عطایا می‌دهند و در هر ماه دو بار به آن‌ها روزی می‌رسانند و چنان در میان مردم، مساوات برقرار می‌شود که کسی را نیازمند زکات نمی‌بینی و پرداخت کنندگان زکات، زکاتشان را به نیازمندان شیعه عرضه می‌کنند و آنان نمی‌پذیرند و آن‌ها به ایشان اصرار می‌کنند و در خانه‌هایشان می‌چرخند تا به آن‌ها بدهند اما آن‌ها می‌گویند ما نیازی به پول شما نداریم. لازم به ذکر است نقطه آغاز عدالت‌گستری در جامعه اسلامی، رعایت عدالت اخلاقی زمامدار و کارگزارانش می‌باشد. به همین جهت گفته شده «عدالت اخلاقی پایه عدالت سیاسی و اجتماعی است» (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸،

ص ۸۳) و بر حکومت زمینه ساز این امر فرض است که با پرورش کارگزارانی عدالت پیشه، زمینه‌ساز حکومت عدالت‌گستر جهانی گردند (معصومی، ۱۴۰۳: ۸۷-۸۸).

تأمین امنیت اجتماعی

در منابع مختلف امنیت چنین تعریف شده است:

«امنیت، نعمتی خدادادی است که هیچ نعمتی گوارتر از آن نبوده (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۴۷) و رفاه و آسایش زندگی مردم در سایه آن حاصل می‌گردد. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۴۷) اهمیت امنیت برای سرزمین از هر چیز مهم‌تر است به طوری که سرزمینی که فاقد امنیت باشد، بدترین اوطان خوانده شده است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۴۷).

ازاین رو امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مقوله است که خداوند به بشریت هدیه داده است ازاین رو حفظ جان، مال، ناموس و... آحاد جامعه جزو اولین وظایف هر حاکمیتی به خصوص حاکمیت اسلامی است که مسلمانان را در مقابل کفار و دشمنان مراقب کنند. مساوات و یکسان نگری به عموم مردم جامعه، تأمین حقوق اجتماعی، حقوق قضایی، برخورداری جامعه انسانی از رفاه اقتصادی و... امنیت اجتماعی را رقم می‌زند و این توصیف جامعه امام مهدی علیه السلام است که در تبیین امیرمؤمنان علیه السلام آمده است: «... ثُمَّ يُفِيلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مُنْزِلُهُ بِهَا فَلَا يَثْرُكَ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَ أَعْتَقَهُ وَ لَا غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ وَ لَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا وَ لَا يَقْتُلُ مِنْهُمْ عَبْدًا إِلَّا أَدَى ثَمَنَهُ دِيَّةً مُسَلَّمَةً إِلَى أَهْلِهِ وَ لَا يَقْتُلُ قَتِيلًا إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ وَ أَلْحَقَ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ حَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ عُدْوَانًا...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۲۲۴). این فرمایش، توصیفی است از برخورداری جامعه عصر حضور از نعمت امنیت در بسیاری از ابعاد و گویای آن است که پس از حضور و سکونت حضرت در کوفه، برده‌ها خریداری و آزاد می‌شوند، دین بدهکاران پرداخت می‌شود، حقوق مظلومان باز پس گرفته شود، دیه و بدهی کشتگان پرداخت می‌شود و... این چنین جامعه آخرالزمان از امنیت در همه ابعاد برخوردار می‌گردد.

تحقق چنین جامعه‌ای مورد انتظار شارع بوده و موجبات نزول برکات و رحمت الهی می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گشایش درهای آسمان و بخشندگی زمین در عصر ظهور را که ثمره

امنیت و به اهتزاز در آمدن پرچم دین است بدین توصیف یادآور می‌شوند: «... تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبِرُّ وَالْفَاجِرُ يُرْسِلُ اللَّهُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَدْخُرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ تَبَاتِهَا» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۶۸) گنج‌ها برای او آشکار می‌شوند (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۳۱) و زمین آنچه را در دل خویش دارد بر وی عرضه می‌دارد و همه برکاتش را در خدمت او در می‌آورد (ر.ک: صبحی صالح، خطبه ۱۳۸)؛ و همچنین قرآن کریم درباره حکومت بعد از ظهور می‌فرماید: وَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵). بدیهی است حکومت زمینه‌ساز با پیروی از روش و منشی این چنینی و تأمین امنیت اجتماعی که از اهداف حکومت امام عصر علیه السلام به شمار می‌رود علاوه بر زمینه‌سازی ظهور، موجبات نزول برکات الهی را فراهم می‌آورد.

در نهایت اینکه تأمین امنیت جزو اولین وظیفه حاکمیت اسلامی است که اجازه ندهد برخی از ارادل و اوباش داخلی و نیروهای متجاوز خارجی امنیت جامعه اسلامی را بر هم بریزند و باعث سلب آسایش در جامعه شود. این نمونه نیز با اجرای دقیق قانون و نظارت بر کارگزاری برای عدم انجام تخلفات گوناگون خواهد بود در نهایت اینکه جامعه اسلامی که از امنیت اجتماعی برخوردار باشد و در مسیر تعالی حرکت کند در مسیر ظهور قرار گرفته و مقدمات ظهور خورشید عظمای ولایت را فراهم می‌سازد.

شایسته‌سالاری

سازمان‌ها برای پیشبرد اهداف خود، دنبال افراد توانمند دارای تخصص و متعهد هستند که بتوانند منافع سازمان را به صورت حداکثری تأمین کنند، بدیهی است در این میان، میزان علاقه فرد بر کار، بیان‌گر شایستگی لازم نیست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّا لَا نَسْتَعْمَلُ عَلَى عَمَلِنَا مَنْ أَرَادَهُ» (عجایمی کرمی، ۱۴۲۷ ق، ص ۱۰۵) همچنان که امام علی علیه السلام و الیان خود را توصیه می‌کرد که در انتخاب کارگزاران حتماً آن‌ها را بیازمایید و همچنان تأکید میکنند که کارهای قبلی آنان را نیز مورد بررسی قرار دهید (صبحی صالح، نامه ۵۳). دلیل اهمیت این امر آن است که «کارگزاران، بازوان اجرایی حاکمان و عاملان اقامه عدل و بسط قانون در جامعه هستند؛ شایستگی، توانمندی، استوار گامی و سلامت رفتاری آنان، بی‌گمان

مهم‌ترین نقش را در سامان‌یابی جامعه در ابعاد مختلف خواهد داشت» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۳۹).

مرور روایات وارده در خصوص یاوران و کارگزاران امام عصر علیه السلام در الگوگیری جهت پرورش کارگزاران و مدیران شایسته برای زمینه‌سازی ظهور تأثیر به‌سزایی دارد. بدیهی است حضور کارگزاران و مدیرانی پرورش‌یافته با ویژگی‌های برشمرده در روایات معصوم علیهم السلام همواره الگو بخش کارگزاران آینده سازمان بوده و حاکمیتی جامع را رقم می‌زند که علاوه بر آن که مطلوب شارع است پرورش دهنده مهدی علیه السلام یاوران خواهد بود. روایات در این خصوص بر بیان ویژگی‌ها و اوصاف یاوران و کارگزاران امام عصر علیه السلام دلالت دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ صِدِّيقٍ فَيَكُونُونَ فِي أَصْحَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۳۹۰) «... قَدْ أَتَرَ السُّجُودَ بِجَبَاهِهِمْ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ زُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبْرُ الْحَدِيدِ يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَزْبَعَيْنَ رَجُلًا لَا يُقْتَلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا وَقَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بِقَوْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِمَنْ تَوَسَّمِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۳۸۷). کارگزاران امام عصر علیه السلام علاوه بر صداقت بسیار که در روایت اول مورد توصیف قرار گرفتند، شیران روز و شب زنده دارانی هستند که دل‌هایشان چون پاره‌های آهن است و جز کافران و منافقان را نمی‌کشند. بدیهی است که حکومت زمینه‌ساز ظهور باید علاوه بر گزینش کارگزارانی این‌چنینی، در هدایت آنان و استمرارشان بر ویژگی‌های مورد اهمیت شارع بکوشد.

اگرچه زمان ظهور از امور مخفی و غیبی است اما شیعه حقیقی هر لحظه نسبت به تحقق آن، منتظر بوده و شرایط را به‌گونه‌ای رقم می‌زند که گویی در عرصه حضور آن حضرت به سر می‌برد. امام سجاد علیه السلام در توصیف این منتظران حقیقی می‌فرماید: «... المنتظرین لظهوره أفضل أهل كل زمان لأن الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفه ما صارت به الغيبه عندهم بمنزله المشاهده...» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۸۶) بنابراین از منظر شیعه منتظر، هرگونه تأخیر در سروسامان بخشی به جامعه زمینه‌ساز، معفو نیست.

وجود بعضی روایات که جهان قبل از ظهور را آکنده از ظلم و جور می‌خواند و ظهور حضرت حجت علیه السلام را پایانی بر این امر می‌شمرد (ر.ک: صدوق، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۶) سبب شده که برخی گمان کنند نباید جلوی ظلم را گرفت. از منظر این دسته، زمینه‌سازی ظهور به معنای اصلاح امور و جلوگیری از ظلم بوده و موجب عقب افتادن ظهور آن حضرت می‌گردد. این در حالی است که حاصل مفهوم و منطوق کلام معصوم، غلبه داشتن ظلم بر جهان پیش از ظهور است نه به معنای آن که تمامی سرزمین‌ها باید آکنده از ظلم و ستم شود تا ظهور محقق گردد.

در فرض همگانی بودن ظلم در هنگام ظهور، انقلاب مهدوی هرگز واقع نمی‌شود زیرا جوامع متشکل از دو دسته ظالم و مظلوم — و البته نه به نسبت مساوی — خواهد بود که یک دسته شایستگی همراهی در رکاب حضرت را ندارند و دسته دیگر از توانایی و رشد لازم در این رابطه برخوردار نیستند؛ این در حالی است که روایات دیگر از دلیرمردان پرورش‌یافته‌ای سخن می‌گویند که از توانمندی جسمی و روحی برخوردار بوده و در انقلاب آن حضرت نقش آفرین. امام صادق علیه السلام در توصیف ویژگی آنان می‌فرماید: «... ثُبُوتٌ بِالنَّهَارِ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَزْبَعَيْنَ رَجُلًا لَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا وَ قَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ يَقُولُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۳۸۶)؛ بنابراین پرورش کارگزارانی شایسته و سازماندهی نیروهایی کارآمد برای شرکت در انقلاب مهدوی از ضروریات جامعه منتظر ظهور است.

پایبندی به وفای به عهد

در باره وفای به عهد و افوا بالعقود معانی متفاوتی ارائه شده است که به اختصار ذکر می‌گردد: «پایبندی به عهد و پیمان، از قدیمی‌ترین اصولی است که تعامل بشری با تکیه بر آن استوار گردیده است. در آموزه‌های دینی از وفای به پیمان و پایبندی به عهد با توصیفاتی چون دژ سروری (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۵۱) و سپر نگهدارنده (صبحی صالح، خطبه ۴۱) و بنیاد دین داری (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۸۶) تعبیر شده است و از منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله دین ندارد کسی که به عهد و پیمان خود پای بند نیست (راوندی، بی‌تا، ص ۵؛ متقی

هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۶۲) و در فرمایش آن حضرت خوش عهدی، یکی از نشانه‌های ایمان به شمار می‌رود» (حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۸). امام مهدی علیه السلام نیز در توقیع خویش به شیخ مفید اهتمام به این اصل را عامل مهمی برای ظهور و ملاقات حضرتش برشمرده و می‌فرماید: «... وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهْمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ...» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۱).

بدیهی است پابندی به عهد و پیمان در همه ابعاد آن خصوصاً در انجام مسئولیت‌های پست سازمانی از سوی کارگزاران و مدیران حکومتی، اعتباربخشی کارگزاران زمینه‌ساز ظهور است، موجبات اعتماد مدیران را رقم زده، پایه‌های اعتماد مردم نسبت به مدیران و کارگزاران حکومتی را فراهم می‌آورد. این بدان جهت است که انجام وظیفه در قبال مسئولیت سازمانی بزرگ‌ترین عهد و پیمانی است که باید از جانب کارگزاران مورد توجه و عنایت قرار گیرد بنابراین این در زمینه‌سازی ظهور، پابندی به عهد و پیمان از سوی مردم و کارگزاران هر یک نسبت به تعهد و پیمان خویش اهمیت به‌سزایی دارد (مولوی و فیض افرا، ۱۳۹۸: ۱۸۱).

نتیجه:

پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش استنتاج شهید صدر که بر استخراج نظام‌مند مفاهیم از منابع دینی استوار است، به تبیین مؤلفه‌های کارگزاران تراز انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور پرداخت. این روش، نه تنها صرفاً به جمع‌آوری و نقل احادیث و آیات نمی‌پردازد، بلکه با رویکردی عمیق و تحلیلی، به ترکیب هدفمند آن‌ها با مفاهیم کلیدی می‌پردازد و از دل این مجموعه، نظریات جامع و کارآمدی را برای تحقق اهداف والای اسلامی استنباط می‌کند. این روروش شناختی، به مقاله این امکان را می‌دهد که از سطح توصیف فراتر رفته و به ارائه راهکارهای عملی و بنیادین بپردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که یک حکومت زمینه‌ساز، لازم است به صورت فعال و برنامه‌ریزی شده، به تصویر کشیدن و عملیاتی کردن راهکارهای عملی برای زمینه‌سازی ظهور اهتمام ورزد. این مهم، با تعمیق در روایاتی که به تبیین امور مورد اهتمام حضرت ولی عصر علیه السلام در ساماندهی به کارگزاران و هدایت و تربیت

آنان می‌پردازند، قابل دستیابی است؛ به عبارت دیگر، حکومت نباید تنها منتظر ظهور باشد، بلکه باید با اقدامات عملی و راهبردی، زمینه‌های عینی و ذهنی را برای این واقعه عظیم فراهم آورد. بدیهی است، حکومتی را می‌توان مدعی راستین زمینه‌سازی ظهور دانست که در تلاش برای پرورش و تربیت کارگزارانی باشد که از حاکمیت مهدوی الگوبرداری کنند. این امر به معنای پی‌ریزی حکومتی است که مورد انتظار شارع مقدس بوده و ارکانش بر اساس روایات وارد، شبیه‌ترین به حکومت امام عصر علیه السلام بنیان گذاشته شود. مؤلفه‌های ارائه شده در این مقاله نیز با غور در همین روایات و تبیین ویژگی‌های حکومت آرمانی امام زمان علیه السلام تنظیم گردیده‌اند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها که در اصل لازمه و شالوده هر حکومت دینی واقعی است، احیای دین و مبارزه قاطع با بدعت‌گذاران دین است. این بدعت‌گذاران نقش بسزایی در گمراهی مردم از اصول اصیل اسلامی و ایجاد انحرافات فکری و عملی بر عهده دارند. در کنار این، تقویت روحیه خودکنترلی و مهار قدرت از طریق تهذیب نفس، دو بازوی اصلی و حیاتی در موفقیت کارگزاران برای پذیرش و انجام صحیح مسئولیت‌های محوله هستند. این دو مؤلفه، به کارگزاران کمک می‌کنند تا در برابر وسوسه‌های قدرت و دنیا مصون بمانند و نتیجه مستقیم آن، پایبندی به عهد و پیمان در انجام وظایف حکومتی و وفاداری به آرمان‌ها و اهداف انقلاب است. اگرچه پایبندی به عهد و پیمان باید از سوی همه مردم در هر دسته و سطحی مورد اهتمام قرار گیرد، اما در توفیق شریف امام عصر علیه السلام به صراحت، عامل ملاقات و از موانع ظهور خوانده شده است که نشان از اهمیت فوق‌العاده آن دارد. مؤلفه دیگر، اهتمام ویژه به شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی در تمامی ارکان حکومت است که بهترین نمود و معیار امانت‌داری به شمار می‌رود. مدیریت بر مبنای شایستگان، به طور مستقیم به اجرای عدالت و مساوات در تمامی سطوح جامعه، تأمین امنیت جامعه برای آحاد مردم و پاسداشت حقوق مستضعفین منجر می‌شود. این اقدامات، نه تنها موجب رضایت مردم را فراهم می‌آورد، بلکه به صورت طبیعی، اخلاق و برادری را در جامعه رواج می‌دهد و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. مدیریتی با این ویژگی‌ها و پرورش کارگزارانی که واجد مؤلفه‌های مورد بحث در این پژوهش هستند، نه تنها موجب تأخیر در ظهور منجی

نمی‌گردد، بلکه به صورت فعال، شرایط لازم برای ظهور و حاکمیت حضرت ولی عصر علیه السلام را نیز فراهم می‌آورد تا جامعه در سایه حکومت ایشان، از ثمرات و برکات مادی و معنوی بی‌شماری برخوردار شود. لازم به ذکر است که این مؤلفه‌ها و ضرورت توجه به آن‌ها، در منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی، به ویژه در سند راهبردی «گام دوم انقلاب»، به عنوان پایه‌های اصلی حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور، به کرات مطرح شده‌اند. در نهایت، روش استنتاج شهید صدر، به عنوان الگویی موفق، نشان داد که چگونه می‌توان از متن غنی دین، الگوهای حکمرانی استخراج کرد که هم‌زمان اصالت دینی خود را حفظ کرده و به نیازهای پیچیده و متغیر زمانه نیز پاسخگو باشند.



کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن طاوس، علی بن موسی (۱۴۱۶ ق). التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن. قم، مؤسسه صاحب‌الامر، چاپ اول.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر جایگاه عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام. دین و ارتباطات، ۱۰، ۷-۳۲.

إربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ق). کشف الغمه. ج ۲. تبریز، چاپ مکتبه بنی‌هاشمی.

آرنت، هانا (۱۳۸۱). انقلاب، (عزت‌الله فولادوند، مترجم). تهران، خوارزمی.

انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران، انتشارات سخن.

بهروزی لک، غلامرضا و احمدی سفیدان، حسین (۱۳۹۳). مؤلفه‌های قدرت سیاسی در قرآن کریم، علوم سیاسی، ۱۷ (۶۶)، ۵۷-۸۶.

بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷). تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌وسومین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۳/۱۴۰۱.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۸۰.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم شیراز ۱۱/۰۲/۱۳۸۷.

پورسیدآقایی، محسن (۱۳۸۹). راهبرهای مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز بر اساس مدل swot، مشرق موعود، ۴ (۱۵)، ۵-۳۴.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم. قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ ق). تحف العقول. قم، انتشارات جامعه مدرسین.

حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۸). خورشید مغرب. قم، دلیل ما.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق). المفردات. دار القلم، بیروت، الدار الشامیه.

راوندی، سید فضل‌الله (۱۴۱۸ ق). النوادر. قم، مؤسسه دارالکتاب.

رضائیان، علی (۱۳۸۷). مبانی سازمان و مدیریت. تهران، سمت.

سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۹). درس‌نامه مهدویت. قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه‌السلام.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). الأمالی. قم، کتابخانه اسلامی.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق). کمال‌الدین. قم، دار الکتب الإسلامیه.

- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۲ ق). مصادقه الاخوان. مکتبه الامام صاحب الزمان العامه. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (۱۴۰۳ ق). الإحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد مقدس، نشر مرتضی.
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۳۷۵). تاریخ طبری. (ابوالقاسم پاینده، مترجم). تهران، انتشارات اساطیر.
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ ق). دلائل الإمامة. قم، بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق). الغيبة. قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- عجاج کرمی، احمد (۱۴۲۷ ق). الاداره فی عصر الرسول ﷺ. قاهره، دارالسلام.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). تفسیر العیاشی. تهران، چاپخانه علمیه.
- قراملکی، احدفرامرز (۱۳۸۸). اخلاق سازمانی. تهران، سرآمد.
- قزوینی حائری، سید محمدکاظم (۱۳۳۷ ق). شرح نهج البلاغه. نجف، مطبعة النعمان.
- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۴۰۴ ق). تفسیر قمی. قم، مؤسسه دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران، دار الکتب الإسلامیة تهران.
- متقی هندی، علاءالدین بن حسام‌الدین (۱۴۰۵ ق). کنز العمال فی الاحادیث الاقوال و الافعال. بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). بحار الأنوار. بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدری شهری، محمد (۱۴۲۱ ق). موسوعه الامام علی بن ابی طالب ﷺ. قم، دارالحدیث.
- محمودی، محمدباقر (۱۳۷۶). نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه. تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). مجموعه آثار پیرامون انقلاب اسلامی. تهران، صدرا.
- معصومی، سید ابراهیم (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی عملکرد کارگزاران حکومتی بر مبنای تعالیم قرآن کریم. قرآن و علوم اجتماعی، ۴ (۱۶)، ۷۲-۱۰۱.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق). کتاب المزار. قم، کنگره جهانی هزاره مفید.
- مولوی وردنجانی، عیسی، داود فیض افرا (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی مواجهه وفای به عهد و منافع ملی در روابط بین‌الملل. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۸ (۲۹)، ۱۶۵-۱۸۶.

میرجهانی طباطبایی، حسن (۱۳۴۶). مصباح البلاغه فی مشکاه الصیغه. قم، انتشارات حسن میرجهانی طباطبایی.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ق). الغیبه. تهران، مکتبه الصدوق.

هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله (۱۳۵۸). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. تهران، مکتبه الاسلام.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران، دانشگاه تهران.

معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی معین. تهران، امیرکبیر.

عمید، حسن (۱۳۹۵). فرهنگ فارسی عمید. تهران، امیرکبیر.